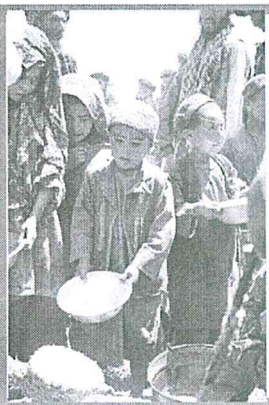


آینه

ناشر افکار پیید جمال الدین افغان

شویت ملی
جمال الدین
افغانی



بړول معنوي؟
صعود مادي،

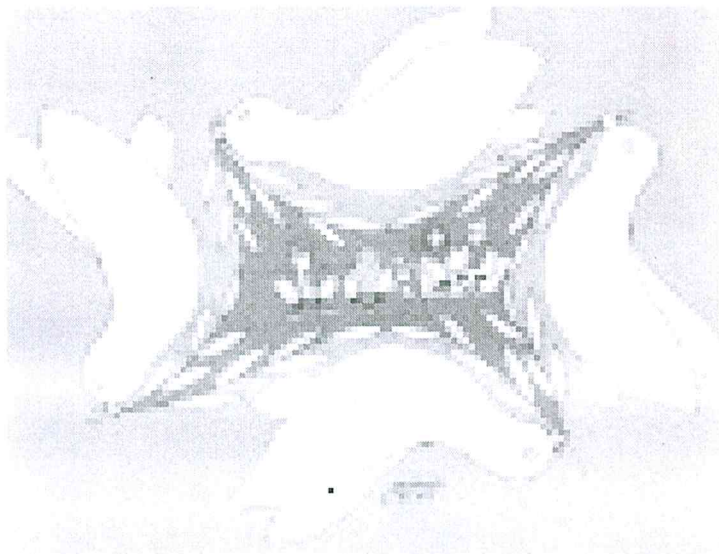
۱۰

قیمت ۱۰ افغانی

سال سوم شماره ۲۸ شنبه ۱۰ حوت سال ۱۳۸۷

سیاسی - اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی - ورزشی و طنزی

آیا نام پادگان امام حسین



برای شما آشناست؟! ؎

مردم شجاعت
و سرسختی
حامد کرزی را
در مقابل
آمریکا می
ستایند؟! ؎

یادداشت مدیر مسئول

کاکا سیاه

و حقوق بشر در

بگرام؟! ؎

زندان بگرام و زندان های دیگری که آمریکایی ها در خاک ما دارند از مخوف ترین زندان های جهان است و حتی از گوانتاناما نیز خطرناکتر می باشد . در این زندان بدون اینکه به قانون اساسی ما توجه شود آمریکایی ها زندانیان را شکنجه می دهند .



اما با آمدن اوباما و بسته شدن زندان گوانتاناما امید این بود که همه زندان های آمریکا که ناقض حقوق بشر است بسته شود .

اما اینطور نشد و به ادامه سیاست های قبلی این زندان باقی ماند و افغان ها و خارجی های زیادی در این زندان در بند بسر می برند .

در قوانین هر کشور آمده است که اتباع کشورها توسط همان کشور محاکمه و زندانی می شود مگر اینکه در کشور دیگری جرم را مرتکب شده باشد .

گر چه غربی ها در کشور ما دست به همه نوع خلاف و جرم می زنند اما کشور ما حق دستگیری آنها را ندارد بخصوص حق دستگیری آمریکایی و نظامیان را ...

اما برعکس کشورهای مهمان و حافظ صلح می خواهند در کشور خود ما محاکمه و وزارت عدلیه داشته باشند .

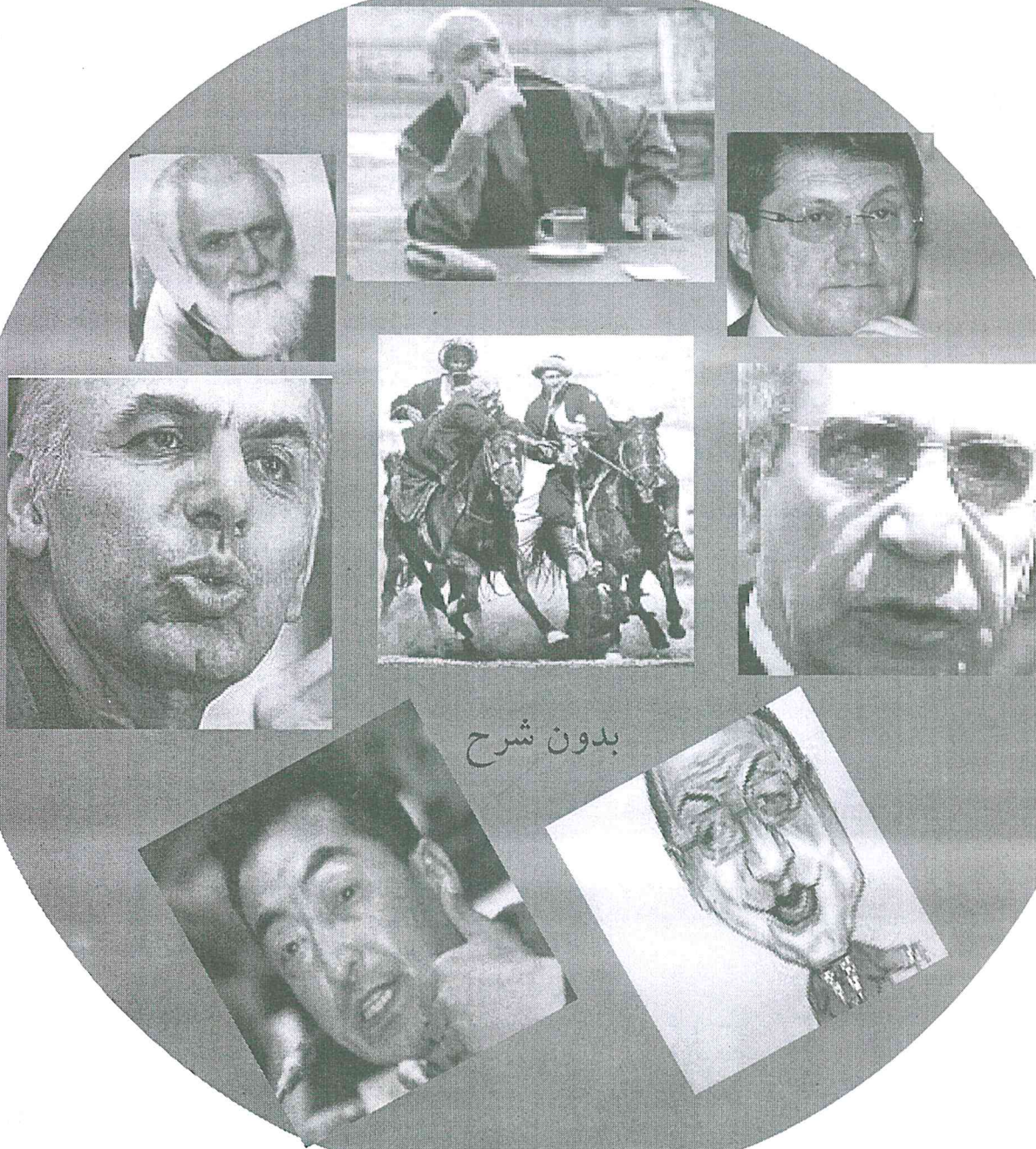
جالب اینجاست که غربی ها برای ما درس حقوق بشر را می دهند و خود ناقص حقوق انسان ها می باشد و این حرکت شان باعث تنفر و نفرت شدید می شود . گر چه مردم - پارلمان و دولت افغانستان اعتراض شدید خود را از زندانی کردن افغان ها در خاک خود تبارز داده اند ولی آمریکا هیچ گاه اعتنایی به این مسئله ننموده است و اکنون اوباما نه تنها زندان بگرام را بسته نکرد بلکه حق داشتن وکیل مدافع و حق دفاع از زندانی را نیز گرفت ...

این حرکت اوباما نشان می دهد که دموکراسی پوشالی و حقوق بشر یک جانبه فقط به نفع آمریکاست و انسان های ما حتی حق دفاع از خود را ندارند .

ما از دولت و سازمان های حقوق بشر می خواهیم که قوانین را به کشورهای فهمیده بگویند و اعتراض افغان های مظلوم را که به بهانه های مختلف گرفتار می شوند و مورد خشونت و لت و کوب قرار می گیرند به گوش آنها برسانند و این یک نکته را برایشان ابراز دارند که حقوق بشر نباید توسط حامیان آن نقض شود .

حرکت اوباما آنقدر منفی و زننده بود که مردم این سرزمین باورش را از دست دادند و اگر این مسئله تصحیح نشود و مجرمین افغان به افغان ها تحویل داده نشود کشور آمریکا در بین افغان ها بیشتر مورد نفرت قرار می گیرد .

بدون شرح



هويت ملي

سيد جمال الدين

افغانى

محمد اسحاق فياض

بودن پسوند هويت فردى اوست که نمى توانست از چنين هويتى فرار نمايد و چون اندیشه ها و احساساتش آن را جهانى و عمومى نمايد ، اما اين که چرا هويت در برخى از کشورها و بويژه در

را نفى مى کند و تصوير متناقض از هويت ملي سيد جمال الدين افغان ارايه مى دهد .

برخلاف ديگر شخصت هاى بزرگ که هويت مذهبى آنان در سايه افکار و باور هاى شان روشن است ، هويت مذهبى



ايران نتوانسته است معرف هويت ملي او باشد ، به دليل منازعه بر سر ميراث فرهنگى و سرمايه هاى علمى است که ميان افغانستان و ايران (پارس) وجود دارد ، چرا که هردو سرزمين از يک ميراث مشترک فرهنگى و علمى در گذشته برخوردار بوده اند و از حدود ۳۰۰ سال پيش تجزيه و جدايى ميان آنان آغاز شده است .

جالب است غير از ايران در ديگر کشورهاى جهان بويژه در ترکيه ، کشورهاى عربى و شبه قاره هند او را به عنوان افغان مى شناسند .

اديب اسحاق شاگرد سيد جمال الدين ، سيد محمد رشيد رضا صاحب تفسير المنار ، محمد پادشاه مخزنوى دوست و پيرو سيد ، عبد القادر مغربى ، جرجى زيدان نويسنده مصرى ، محمد فريد و جدى در دايره المعارف ، علامه حيدر يامات در کتاب "محالى الاسلام" سيد حسين شيرازى ، احمد امين مصرى ، عبد الرحمن رافعى ، در کتاب عصر اسماعيل ، دكتور عثمان امين ، سيد جمال الدين افغانى را از اسعد آباد کتر دانسته اند .

داشته است و در مصر و ديگر بلاد اسلامى از اتحاد و يک پارچگى مسلمانان دم زده و از آنجا که هويت ايرانى؟! در راستاى هدفش خلل وارد مى کرده خود را افغانى معرفى کرده است . (يعنى اينکه دروغ مى گفت که افغانى است) محققان افغانى (خارجى) او را متولد اسعد آباد کتر مى دانند که در کابل تحصيل کرده و از آنجا براى ادامه تحصيل به هند رفته است شيخ محمد عبدو شاگرد او شرحى از زنده گى او ارايه داده و تايبيد کرده که سيد جمال الدين در هجده سالگى براى تحصيل به هند رفته است .

روشن است که اين دور روايت از زنده گى و مذهب سيد با

يونسکو سال ۲۰۰۸ را سال تجليل از مبارزات سيد جمال الدين افغانى نام گذارى کرده است و دولت افغانستان نيز به کمک سازمان علمى فرهنگى و آموزشى ملل متحد - يونسکو - از صد و پنجاهمين سال آغاز مبارزات سيد جمال الدين افغانى ، در يک سمينار دو روزه در شهر کابل شخصيت والاى سيد افغان را ارج نهاده است .

در ايران (پارس) نيز به زودى قرار است يک سمينار بين المللى پيرامون تجليل از شخصيت سيد برگزار شود ، قبل از برگزارى اين سمينار فراخوانى را از سوى ستاد برگزارى اين سمينار منتشر گرديده که تلاش شده بود براى سيد افغان شخصيت ايرانى (پارسى) داده شود و همچنين دست اندرکاران اين سمينار تلاش کرده اند تا از محققان افغانى نيز در اين سمينار دعوت بعمل آيد (وابستگان افغانى) و مقالاتى پيرامون موضوعات داده شده ارايه دهند از جمله از اين قلم بدست نيز دعوت بعمل آمد تا براى اين سمينار مقاله يى ارايه ده و من با توجه به موضوعات داده شده و با توجه به تاکيد اين سمينار به ايرانى بودن سيد جمال الدين افغانى ، برآن شدم تا مقاله ام را پيرامون هويت ملي سيد جمال الدين افغانى ارايه ده .

من در ابتدا سئوال کردم که آيا چنين موضوعى قابل قبول در اين سمينار است يا نه ؟ آنها از من خواستند تا چکيده مقاله خويش را برايشان ارسال دارم و من اين کار را کردم و وقتى مورد بررسى دوستان ايرانى قرار گرفت ، موضوع مقاله به خاطر اينکه هويت اصلى سيد افشا مى شد مورد قبول واقع نشد و به مذاق آنان خوش نيامد و رد گرديد .

(در تمام ايران سانسور قبلى وجود دارد و تا زمانى که موضوع مطابق خواست دولت نباشد مشکل است به خورد مردم داده شود و اگر هم کسى افشاگرى کند بايد به گفته آنها آب خنک بخورد (زندانى شود))

اکنون بخاطر گرامى داشت از يکصد و پنجاهمين سالروز سيد جمال الدين افغانى که به افتخار او از سوى يونسکو سال ۲۰۰۸ به نام او نامگذاري شده است اين چکيده را خدمت شما تقديم مى کنم .

مقدمه

سيد جمال الدين افغانى مصلح و بيداگر جامعه شرقى ، شخصيتى است که افکار و اندیشه هاى او در محدوده جغرافياى يک کشور نمى گنجد و محدود کردن افکار و اندیشه هاى اصلاح گرانه او در گستره يک کشور جفاى بزرگ و نا بخشودنى به خود سيد جمال الدين افغانى است . قطعاً سيد هيچ گاه اندیشه و احساساتش را در يک کشور و قوم خاصى محدود نکرد ، رنج و احساس او کليتى به نام گستره ي جغرافياى اسلام و مسلمانان بود .

براى او ترک و فارس ، عرب ، هزاره و پشتون مطرح نبود و مصرى و عراقى و هندى و افغانى نمى توانست بيانگر هويت واقعى جغرافياى جهان اسلام باشد .

در تاريخ بزرگمردانى يافت مى شود که افکار و اندیشه هايش متعلق به جامعه بشرى است ، اما خود در محدوده جغرافياى خاصى به سر برده و يا هويت مکاني ، زباني و فرهنگى مادري خود زنده گى کرده است . اما سيد جمال الدين افغانى زنجيره هاى چنين هويتى را نيز شکسته است و جسم و هويت و اندیشه هايش نيز متعلق به همه مسلمانان است .

او هرگز راضى نيست که فقط افغانى و ايرانى اش خوانند ، او هويت خود را ترک ، افغانى ، هندى و عرب مى داند و هويت خود را در کليتى تعريف مى کند که تمام هويت ها را شامل باشد .

چگونه هويت ملي سيد جمال الدين افغان را شناخت ؟ از آنجا يى که خداوند انسانها را حريص و خود خواه آفريده و به دنبال هويت هاى قومى ، زباني و نژادى خويش اند ، انسانهاى بزرگ را نيز پس از مرگ شان ، در قالب چنين هويت هاى زندانى مى کنند ، نه تنها سيد جمال الدين افغان در مناقشه هويت ملي گرفتار شد بلکه دهها فرهيختگان در تاريخ يافت مى شود که براى تثبيت هويت ملي شان ميان کشور ها و دولت ها نزاع است .

پسوند هويتى سيد جمال الدين افغان

سيد جمال الدين افغان در تمامى آثار و نوشته هايش خود را سيد جمال الدين افغانى معرفى کرده است ، افغانى

هم نمى خواند و براى روشن شدن چنين پارادوکسى بايد اسناد و رواياتى که از هر دو طرف ارايه گرديده به نقد و بررسى گرفت .

اسناد و مدارک ايرانى

در اسناد و مدارک که براى ايرانى بودن سيد جمال الدين ارايه گرديده است ، مهمترين سند در اين زمينه ، نوشته ميرزا لطف الله خان در کتاب " شرح حال و آثار سيد جمال الدين اسدآبادى " است او خود را همشيره زاده سيد جمال الدين معرفى کرده و اسناد و مدارکى را ارايه کرده که سيد جمال الدين از اسدآباد همدان است ، ميرزا لطف الله ، عکس هاى يادگارى او را که با ايرانيان گرفته است و نيز وجود نامه هاى را که سيد براى برخى از از ايرانيان فرستاده و متن اين نامه ها نزد برخى از شخصيت هاى ايرانى موجود است و نيز الواح قبورى از سلسله سادات همدان که منتسب به اجداد و خانواده سيد جمال الدين در همدان است همه اين ها دليل به ايرانى بودن سيد جمال الدين مى داند .

دومين سند معتبرى که برايرانى بودن سيد جمال الدين ارايه گرديده است گذرنامه اى ايرانى وى است که در زمان ناصر الدين شاه قاجار صادر شده است ، غير از اين دومنيع هر تحقيقى ديگرى که در ارتباط با هويت ملي سيد جمال الدين صورت گرفته برگرفته شده و استناد شده به همين مدرک مى باشد .

اسناد و مدارک افغانى

اما محققان افغانى دلایلى را که براى افغانى بودن سيد جمال الدين ارايه داده اند ، ادعاى خود سيد جمال الدين بر افغانى بودنش است ، او در نوشته ها و آثارش خود را افغانى معرفى کرده در عروه الوثقى خود نوشته است : الافغان و هى اول ارض مس جسمى ترابها . و نيز سيد غلام حسين موسوى از قول او د کتابش نقل کرده است : انى اخطرت لترک بلاد الافغان مضطربه بها الاهواء والاغراض .

جالب است غير از ايران در ديگر کشورهاى چهار بويژه در ترکيه ، کشورهاى عربى و شبه قاره هند ا را به عنوان افغان مى شناسند .

مدرسى چهاردهى ، ابراهيم صفا ، شيخ عباس قمى سيد محمد على آستانه ، و ديگر ايرانيان ، نيز او را فرزند سيد صفدر حسيني از خانواده هاى بزرگ افغانستان دانسته اند .

شيخ محمد عبده شاگرد و همکار سيد جمال الدين ، در زنده گى نامه سيد نوشته است که سيد جمال الدين در قريه (اسعد آباد) از قرأى کتر در سال ۱۲۵۴ هجرى قدم به دنيا نهاد .

اديب اسحاق شاگرد سيد جمال الدين ، سيد محمد رشيد رضا صاحب تفسير المنار ، محمد پادشاه مخزنوى دوست و پيرو سيد ، عبد القادر مغربى ، جرجى زيدان نويسنده مصرى ، محمد فريد و جدى در دايره المعارف ، علامه حيدر يامات در کتاب "محالى الاسلام" سيد حسين شيرازى ، احمد امين مصرى ، عبد الرحمن رافعى ، در کتاب عصر اسماعيل ، دكتور عثمان امين ، سيد جمال الدين افغانى را از اسعد آباد کتر دانسته اند .

هم چنين ابراهيم مصطفى الوكيلى در کتاب مفاخر الاجيال مى نويسد : سيد جمال الدين در قريه اسعد آباد يکى از قريه هاى کتر به سال ۱۲۵۴ متولد گرديد در کتاب مقام جمال الدين افغانى تدوين سيد مبارز الدين رفعت ، چاپ دکن هند ، هجده مقاله از اقبال ابولکلام آزاد ، ضياالدين برنى ، سليم کاهندرى و غيره چاپ شده که مسقط الراس سيد را از افغانستان تايبيد کرده اند و نيز استوارد لوتروب آمريکايى با ذکر دلايل سيد را از اسعد آباد کتر و مليت او را افغان ثابت کرده است . در کنار اين گواهى ها ادبياتى که سيد د ، نوشته هاى فارسى يا درى اش بکار برده نشان مى دهد او افغانى است . او تاريخ " تتمه البيان فى التاريخ الافغان " را نوشت که بيان وابستگى و شناخت او ا افغانستان است و نيز در لابلای نامه هاى که سيد جمال الدين براى ايرانيان نوشته است برخى از واژ ها و اصطلاحات ناب افغانى بکار برده شده است که در ايران نه در گذشته و حال رواج نداشته که تفصيع آن در اين چکيده نمى گنجد .

ادامه دارد

در شماره گذشته انتقاد شدید از گروه های تاجیک گرا کردیم اما این شماره افراطیت را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم .

جالب است تعدادی با اتکا به قومیت می خواهند در انتخابات رای بیاورند و به منظور راه یابی به انتخابات به قوم رجوع می کند .

اما بدون در نظر داشت آرای ملت که هیچ گاه نه در اسلام و نه در افغانیت این مجوز نامشروع داده نشده است .

قوم گرایی در اسلام شدیداً نقیع شده است و به همین لحاظ سیاست نشریه ما مبارزه با قوم گرایی است و تاجیک های قوم گرا و پشتون ها و اذبک های قوم گرا مورد انتقاد ما و مردم این ملت قرار می گیرند .

اینک نامه یی بدست ما رسیده که یکی از خواننده گان نشریه ما عنایت پوپل آنرا فرستاده که با کمی کپی کشی و تعدیل آنرا به چاپ می رسانیم امید است که ایشان آزرده نشود .

عنایت پوپل به یکی از کاندیدهای قوم گرا انتقاد کرده و در مورد زنده گی خصوصی ایشان معلومات داده که ما از کاندید محترم می خواهیم که در مورد ابراز نظر نمایند و بنویسند که این مسایل راست است یا نه ؟!

گرچه با شناختی که ما از نویسنده محترم داریم ایشان معلومات خوبی ارائه کرده اند و ملت ما نیز از این مطالب آگاه نیستند .

یکی از پشتون های قوم گرا که مدتی در خدمت دولت بود حالا می خواهد خودش رییس جمهور کشور شود .

گرچه در مورد بودجه - محاسبه و ریاضی و ضرب زبانی پیشتان است و صاحب مال و مالیات مردم

☞ ☞ ☞

اما تا حالا پیش خود محاسبه نکرده است که چه تعداد افغان های ملی و وطن دوست به ایشان رای خواهد داد و چه تعداد از هموطنان ما با سیاست های قوم گرایی که این کشور را نابود کرده است موافق است ...

می گویند اونظر دارد که اقوام دیگر باید در کوره آدم سوزی سوخته شود؟!

خداوند در قرآن مجید امت مسلم را دعوت به برادری کرده است و مومنان را برادر هم گفته است و هیچ قوم - گروه نمی توانند وحدت اسلامی را در سطح جهان و اخوت اسلامی را در کشور خود خدشه دار بسازد و ساخته نمی شود این ملت تا زمانی که پشتون گرایی - اذبک گرایی و تاجیک گرایی در این کشور حکم فرما باشد .

بهر صورت در نامه آمده است که :

کاندید محترمی که محاسباتش دقیق است و ریاضی را خوب می داند و کار بانک داری و وزارت را می فهمد بدون اینکه مردم او را دوست داشته باشد و یا اینکه حتی حزبش او را انتخاب نماید شب خواب ریاست جمهوری را دیده است و آنطور که خودش می گوید خواش سیاه سفید بود و حالا می خواهد آنرا دیجیتال و رنگه بسازد .

آنطور که در نامه آمده است ایشان در لبنان درس می خواندند و بخاطر اینکه از مزایای آن کشور برخوردار شوند با یک دختر خانم لبنانی ازدواج کردند و بعد از آنکه به آمریکا رفت گفت: خانم لبنانی من گم شد ؟!

اما هیچ گاه نگفت که برای پیدا کردن او تلاش کرده است یا نه ؟!

بهر صورت مهم این است که خانم لبنانی گم شده است و دیگر یافت نشد و آقای افغانی در آمریکا یک زن آمریکایی گرفت و بعد از مدتی او هم گم شد و تا حالا چندین سال می شود که بیچاره لبنانی و آمریکایی یافت نشد و شاید هم آنها آقای افغانی را کم کردند و آدرس را ندارند ؟!

ما از طریق نشریه خود به خانم آمریکایی و لبنانی اعلان می داریم که اگر شوهر خود را کم کرده اید می توانید در کابل و در یکی از احزاب قوم گرا پیدایش کنید .

بلی : بعد از اینکه این دو خانم گم شدند در افغانستان نیز موضوعات سیاسی داغ بود این برادر افغان ما بخاطر کسب موقعیت سیاسی - مذهبی و قومی رفت خاستکاری یکی از سران قوم عرب و زنی را به نکاح رسمی خود گرفت و تا حالا موقعیت خوبی سیاسی و قومی هر دو دارند . اما معلوم نیست که این بار هم مرد افغان گم می شود و یا اینکه تا آخر عمر به زنده گی خانواده گی خود وفا دار می ماند .

زمانی داکتر نجیب الله به دنبال مهره سیاسی بود و هیچ کس نبود که با وی معامله کند .

این برادر سیاسی آمد و با ایشان گفت و گو نمود و در آخر

گرفت و ایشان را گفت : من فکر می کردم شما بخاطر صحبت روی مسایل سیاسی به اینجا آمده اید ولی شما اهداف بسیار کوچکی دارید ؟!

اما دوستان شما باور کنید که با این نیش نجیب الله که شما کوچک هستید و کوچک فکر می کنید این مرد پشتون قدرت مند سیاسی اصلا خود کشی نکرد و خجالت هم نکشید . !؟

زمانی نیز در کنفرانس لندن با نماینده دولت مجاهدین به مناظره و مباحثه برخاست و از قوم خود دفاع کرد و گفت که شما حتی نوماء حکومت کردن را بلند نیستید و توانایی اداره حکومت را ندارید ؟!



نزول معنوی ؟!

صعود مادی ،

عنایت پوپل

حالا نود درصد خاک افغانستان در خدمت برادران طالب است و این برادران نماینده گی از یک قوم می کنند و

از داکتر نجیب خواست تا یک اپارتمان در مکرویان برایش داده شود که مورد شماتت داکتر نجیب الله قرار

درخت زنده گيست هر درخت می تواند به ۱۸ نفر اکسیجن

توليد کند .

درخت کاری می تواند هم به زیبایی منطقه و هم به سلامت روح و روان ما و فرزندان ما مثمر باشد و کوتاه ترین راه برای جلو گیری از فاجعه انسانی و بشری در جهان است .

اکنون که طبیعت خداوندی در نزد ما به امانت گذاشته شده است و جهان در بی تفاوتی در مقابل نسل امروز و فردا قرار دارد و سالیانه گاز های گل خانه یی زیادی توسط کشورهای متمدن نسل بشر را به خطرات جدی روبرو کرده است و نسل افغان نیز در طول سال های جنگ صدمات جبران ناپذیری را به جنگل های کشور وارد کرده است ، فرصت خوبی است که تا حد امکان بتوانیم صدماتی که به خود و محیط زیست خود وارد کرده ایم جبران کنیم .

جهاد تنها جنگ نیست بلکه جهاد در همه ابعاد زنده گی برای ما فرض است و ما باید از هر

فرصتی که خداوند برای ما می دهد استفاده خوب نماییم . بیایید اگر شهری هستیم و یا دهاتی دست به دست هم داده هر کدام به اندازه توان خود در محیط زیست و محیط ماحول خود درخت بکاریم و با کاشتن درخت زنده گی را به هموطنان خود به ارمان بیاوریم .

بلی درخت زنده گیست و ما می توانیم این تحفه خداوندی را به نسل امروز و فردا به ارمان دهیم تا باشد

کابل و خاموش شدن جئاتورهای منازل تا اندازه یی آلوده کی هوا کاهش یافته ، اما وارد کردن صد ها هزار موتر و استفاده از موتر های فرسوده و دود زا و نبود سرک های خوب باعث آلوده گی محیط ما گردیده است و ما تنها راه حل این مشکل بزرگ که اکثر باعث امراض گوناگون چون سکتة قلبی و نفس تنگی و ... می شود را درخت کاری می شهر کابل در بدترین وضع زیست

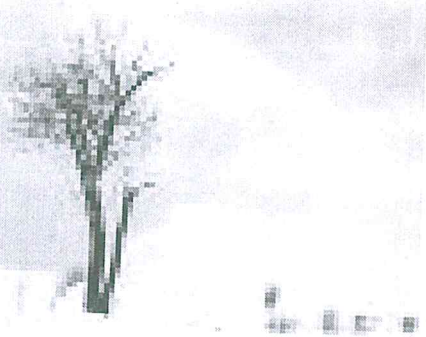
گرچه دولت و شاروالی در قسمت سرسبزی کشور وظایف خاصی دارند و باید در سرسبزی و زیبایی این وطن کوشا باشند و این محیط زیبا را که زیباییش در اشعار شعرا و داستان های نویسنده گان آمده است زیبا تر بسازند . اما ما نیز در زیبا سازی محیط زنده گی و فضای داخلی منازل خود باید دقت فراوان کنیم .

کارشناسان و دست اندرکاران محیط زیست می گویند که هر درخت برای ۱۸ نفر اکسیجن تولید می کند و اگر هر صاحب منزلی بتواند حداقل ده درخت در خانه و بیرون منزل خود بکارند و آنرا آبیاری کنند برای ۱۸۰ نفر اکسیجن تولید کرده اند .

اینک بهار فصل رویش و زنده گی دوباره طبیعت فرا می رسد و ما نیز فصل جدید را با دیدگاه جدید شروع خواهیم کرد .

در این فصل که بزرگترین هدیه خداوندیست و بی شک آنرا میتوان فصل متعادل طبیعت و زنده گی نامید هر فرد افغان چه در کابل و چه در ولایات باید به اندیشه کاشتن و برداشتن زنده گی را شروع کنند و محیط سالم را برای خود و نسل های بعدی طوری فراهم کنند که ما بتوانیم در آن محیط نفس بکشیم .

شهر کابل در بدترین وضع زیست



دولت آنها مشروع و دولت شما نامشروع است . حالا می خواهد رییس جمهور ملت ما شود اما ما می ترسیم که این بار هم وقتی با رگم نشود و مردم ما او را پیدا کرده نتوانند ؟! نشریه ما پیامی را برای این مرد که دیروز اهداف کوچک داشت و امروز خواب سیاه و سفید رنگه ریاست جمهوری را دیده است دوستانه می گوید که نه حزب قوم گرای خودت نه مردم و نه عقده شخصی که در مقابل اربابت دارید کامیاب می شود .

راه حل این است که قبل از شکست و قبل از کم شدن از افغانستان پشت گپ های کلان نگردید و همان پول و زر و طلای که از جیب این ملت دریافت کرده اید خرج کنید و آرام در کاباره های لبنان و آمریکا دنبال یکی دیگر بگردید و اگر کم هم شد فرق نمی کند یکی دیگه یافت می شود و به گفته مردم دست از سرکل ما بردار ؟!

این ملت دیگر هوشیار شده اند و حالا حتی زنده گی خصوصی شما را می دانند و می گویند که شما به اصل خانواده خود هم پای بند نبودید و به ملت ما نیز پای بندخواهی بود و تحمل قوم گرایان نیز به اقوام افغانستان مشکل است اگر پشتون با تو بسازد تاجیک و هزاره و نورستانی و بلوچ و ایماق و قزل باش و ترکمن با تو نمی سازد .

تا یادم نرفته است جریان انتخابات ایران را که من ناظر آن بودم برای شما تعریف می کنم : در منطقه آمل مردی بود مار گیر و چندین بار در پارک آمل نمایشگاه زده بود یک روز مثل شما خواب دید که نماینده مجلس می شود .

فردا ثبت نام کرد و شعار انتخابی خود را نوشت من دیش آنتن و انترنت را به عموم مجانی می سازدم و جوانان را از مزایای صیغه برخودار می سازم و هر جوان باید تا زمانی که ازدواج دایم نکرده است باید ده بار صیغه یا ازدواج موقت نمایند .

(البته ازدواج شما با لبنانی و آمریکایی موقت نبود بیچاره ها گم شدند یا ترا گم کردند) انتخابات شروع شد و ایشان فقط سه رای در تمام منطقه آوردند و بعد از انتخابات میدانید چه کرد .

رفت خانه و زن و فرزند و خانواده را با کمربند خوب جنانانه لت کرد و گفت :

احمقا شما به من رای ندادید و هرده عضو خانواده ایشان قسم خوردند که ما رای دادیم ولی او قبول نکرد و گفت :

بی شرف ها من سه رای آوردم و شما ده نفر هستید ؟!

او نیز چون شما به لبنان و آمریکا و آفریقا رفت و از آفریقای جنوبی مار بوا و کبچه و زنی می آورد و دوباره نمایشگاه خود را دایر کرد و کارو کاسبی خوبی داشت و در آخر از تمام خانواده عذر خواهی نمود و گفت: تجارت مار بهتر از نماینده گی در مجلس است و من حالا زنده گی آرام تر دارم و خوب شد که شما به من رای ندادید ؟!

حالا شما از خانواده خود و خانواده جدید سیاسی خود اول بپرسید که به شما رای می دهند یا نه اگر آنها رای نمی دهند آنها را بعد از انتخابات لت و کوب نکید زیرا ما مطمئن هستیم که به تعداد خانواده خود و خسر خود رای نخواهید آورد .

ما امید داریم که کپی ما را شنیده دست از سرکل ما بردارید زیرا نه ما به درد شما می خوریم و نه شما به درد ما و اگر پست وزارت گیرت نیامد حد اقل پست ریاست گیرد می آید و اگر هر دو گیر نیامد میتوانید به آمریکای عزیز پناه ببرید زیرا تابعیت دو گانه شما هنوز پا برجاست و می توانید آنجا بهتر از اینجا زنده گی کنید و شما هنوز هم با عادات و زنده گی مردم ما خوب آشنا نشده اید ...

آيا نام پادگان امام حسين برای شما آشناست؟!

این مقاله برگرفته از سایت کابل پرس است و نشریه در آن نظری ندارد

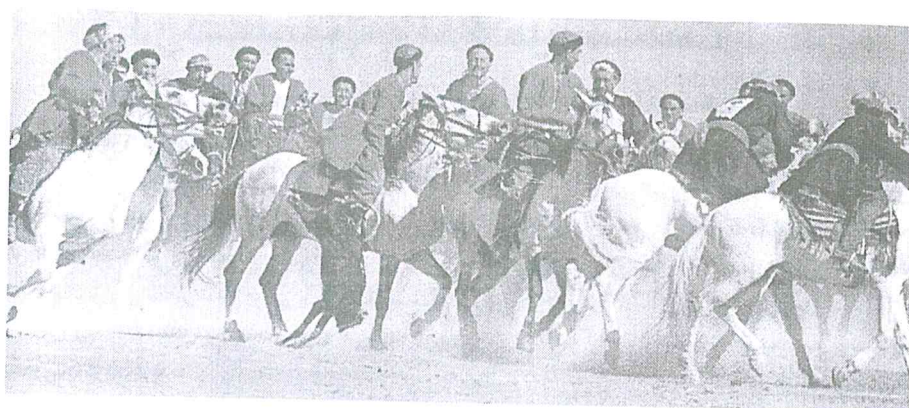
ضد گروه رقیب مینمودند همگان دیدند و شاهد بودند و شنیدند که بنام اسلام چه تعداد مسلمان به خاک و خون غلتید و همگان فراموش نموده بودند که دشمن اصلیشان روسها هستند و از همین رو آنها مسلح گشته

نمودند شرم دارد تجاوز به جان، مال، ناموس، شرف و حیثیت یکدیگر به اوج خود رسید در هیچ قریه ای نبود که از چندین حزب طرفدارانی وجود نداشته باشد و ایران هم با



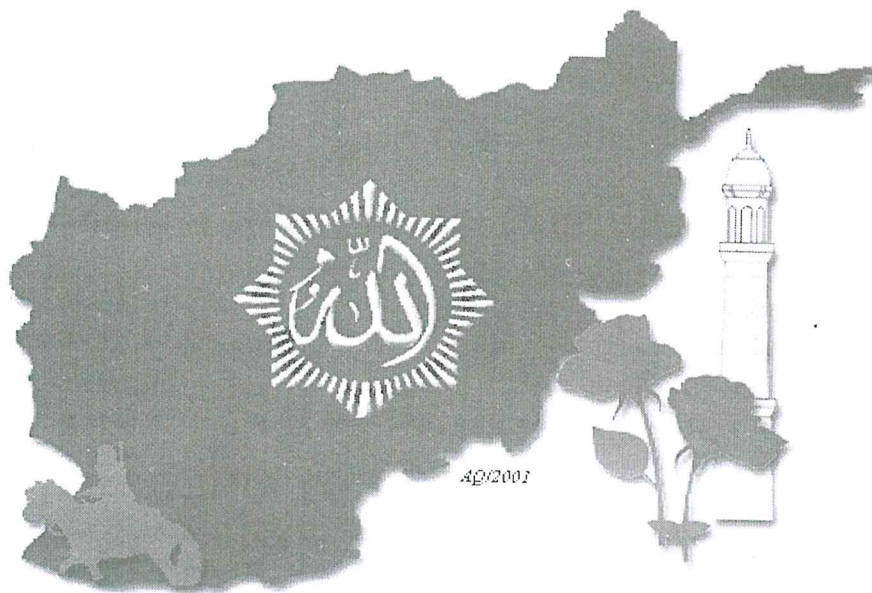
بودند پشیمانی مالی و تسلیحاتی نابخردانه خود بر آتش این درگیرها می افزود وجود غالباً روحانیونی که خود را از بند حقارتها چند صد ساله رها شده

پشیمانی مالی و تسلیحاتی نابخردانه خود بر آتش این درگیرها می افزود وجود غالباً روحانیونی که خود را از بند حقارتها چند صد ساله رها شده



بگذریم تاریخ مسبب اصلی تمام این اعمال را که همانا دولت ایران و شخص خمینی بود هرگز از یاد نخواهد

مینداشته سستی داعی داشتند عقده های خود را بر سر یکدیگر فرو پاشانند و انچنان کشت



برد و به زشتی و پلییدی سیاستهایشان صحنه خواهد گذاشت با ظهور طالبان مهره های بسیاری از صحنه افغانستان موقتاً محو گشتند و بجز گلبدین حکمتیار او

که هر کس به خود حق دهد فرد غریبه ای را در قریه خود بکشد و آنگاه بدنبال هویت او بگردد روحانیون هم با کافر خواندن گروه دیگر هم پیمانان خود را تشویق بر جنایت بیشتر بر

پس بمانید قصه ای را برایتان باز گو کنم پس از پیروزی انقلاب ایران در ۱۳۵۷ که مصادف شد با روی کار آمدن دولتهای کمونیستی در افغانستان شعار حمایت از جنبشهای رهایی بخش توسط شخص خمینی در دستور کار قرار گرفت و در طی 2 سال بالغ بر 20 حزب سیاسی نظامی توسط هزاره های مقیم ایران بدین شرح تاسیس شد. اسلام مکتب توحید به رهبری اسدالله نکتہ دان سال 58 پاسداران جهاد به رهبری اکبری سال 58 جنبش اسلامی به رهبری حسین عاقلی سال 59 جنبش اسلامی مستضعفین به رهبری عاقلی و اخلاقی

مسلمانان مبارز به رهبری شورای رهبری سال 58 جنبش مقاومت اسلامی به رهبری سلمان رنجبر حرکت اسلامی به رهبری آصف محسنی سال 58 اتحاد به رهبری شورای رهبری سال 58 حزب الله به رهبری یزدانعلی وثوقی سال 59 دعوت به رهبری شورای رهبری سال 65 دعوت اسلامی به رهبری حسین سال 58 رعد به رهبری شیخ زاده غزنوی سال 58 روحانیت مبارز به رهبری قربانعلی محقق سال 59 مجاهدین بری شورای رهبری نصر به رهبری مزاری سال 58 ائتلاف به رهبری شورای رهبری ۵۵ فدائیان اسلام به رهبری مصباح مزاری سال 59 امت مسلمان به رهبری رضایی سرپر سال 59 نهضت به رهبری علی افتخاری وحدت به رهبری رضوانی غزنوی نهضت به رهبری علی افتخاری سال 58 روحانیت و جوان به رهبری نقوی کیجراتی سال 59 نیرو به رهبری ظاهر محقق سال 58 نیروی انقلاب اسلامی به رهبری حسن سال 59 بطور کل ایران به هر شخصی که میتوانست چند نفری را بدور خود جمع کند امکان داد حزی تشکیل دهند و مسئولیت تغذیه مالی و آموزشی و تسلیحاتی آن را ایران بر عهده گرفت آموزش افغانیان در مکانی واقع شمال تهران و در جوار دانشگاه امام حسین بنام پادگان امام حسین انجام میگشت (مکانی کاملاً سری که صرف جهت آموزش نیروهای واکنش سریع و کماندو های ایرانی اختصاص دارد و در سالیانی به تربیت نیروهای افغانی و لبنانی میرداخت) افغانهای از همه جا بی خبر پس از 40 روز آموزش با دریافت یک قبضه کلاشینکف و تعدادی مرمی راهی افغانستان میگشتند تا علیه نیروهای شوروی جهاد نمایند اما چه جهادی؟ حضور 25 حزب مسلح در مناطق هزاره جات باعث چنان جنگ داخلی بین هزاره ها گشت که تاریخ از نگارش جنایاتی که در حق یکدیگر

که در راس رهبری حزب اسلامی زمانی واسطه تمام پول و تسلیحات آمریکایی به سایر گروه های جهادی بود پس از سقوط دولت نجیب و فتح کابل بدست گروه های جنگ افروز خود را برترین میدانست و زمانی که با مخالفت سایر رقبای روبرو گشت وزارت دفاع را نپذیرفت و کابل را به ضرب توپ و موشک و گلوله های تانک به خاکستر مبدل ساخت و سر آخر با رها نمودن قرارگاه خود به نفع طالبان باعث شد طالبان تا دروازه کابل بی هیچ مقاومتی پیشروی نماید گلبدین که نه در بین جنگ سالاران جایی داشت و نه در پاکستان بسوی ایران آمد و ایران که خوب میداند چطور از مهره های سوخته در مواقع لزوم بهره بگیرد به او پناهندگی سیاسی داد و گویا فراموش کرده بود که سالیان سال نیرو و امکانات خود را در اختیار هزاره ها گذاشته بود تا بر علیه همین گلبدین مبارزه نمایند باری پس از ورود آمریکا به افغانستان و عراق و احداث پایگاه نظامی در چند کشور آسیای میانه ایران که سیاست محاصره خود را از جانب آمریکا عملی شده مینداشته از گلبدین خواست در آینده سیاسی افغانستان سهم بگیرد که با جواب رد از سوی گلبدین مواجه گشت و زمانی که دولت موقت روی کار آمد و دولت و ملت افغانستان خواستار استرداد گلبدین جهت محاکمه گردیده بودند ایران به یکباره ادعا نمود که گلبدین منزل خود در نیاوران تهران را ترک نموده از ایران خارج گشته بدون این که ایران مطلع باشد به کجا رفته یا حداقل از کدام مرز خارج شده است البته در همان زمان هم کسی این دروغ ایران را باور نکرد منتها این قضیه فروکش کرد. و حال از طریق منابع موثق اطلاع حاصل نمودم که گلبدین کماکان در ایران اقامت دارد یا لااقل رفت و آمد دارد چرا که او را مشاهده نموده اند ایران این بار همانند سالیان قبل چرخشی 180 درجه ای در سیاست خود داده بطوری که نیروهای وابسته به گلبدین و تعداد کثیری از افراد طالبان پس از گذراندن دوره های جریکی و جنگهای نا منظم و نا متقارن و اصول جنگ در کوهستان و جنگل و پس از مسلح شدن مدت چند ماه به اینطرف بطور آهسته آهسته از طریق خاک ایران به داخل افغانستان داخل گردیده اند دوستان از صدقه سر کشور دوست و برادر و همسایه و همزیانمان دیر نیست که آتش جنگ بار دیگر شعله ور گردد. شاید در همین آستانه انتخابات ریاست جمهوری جدید آ و در پهبوه درگیری های انتخابات آمریکا و بحران مالی در غرب این نیروها هم عملیاتشان را آغاز نمایند که صد البته تا آن روز به انسجام دادن تخنیک و تاکتیکیشان مبادرت ورزنند. با توجه به نفوذ ایران در هرات و نیمروز و حضور اکثر همفکران طالبان در قندهار و همفکران گلبدین در جلال آباد شروع در گیری از هر کدام از این مناطق محتمل به نظر میرسد پس چنانچه تا چند ماه آینده درگیری های نظامی به از دست رفتن چند ولسوالی در هر یک از این ولایات منجر گشت بدانید منبع و سرچشمه آن از کجاست.

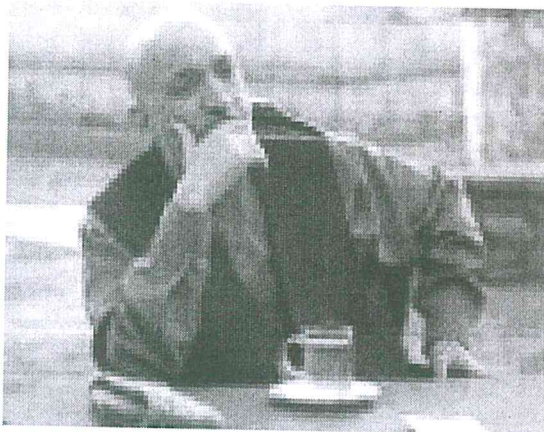


مردم شجاعت و نیرنگی

حامد قزوی را

در مقابل آمریکا می‌تایند؟!

بامیک



۱- این عذرخواهی‌ها نمی‌شود افغان ما را دوباره زنده سازد و خانواده‌های شهید را تسلی دهد باید غرامت داده شود و در مقابل هر شهید تاوان سنگین پردازند و از تکرار آن بصورت کل جلوگیری شود.

در غیر آن حساسیت‌های مردمی باعث می‌شود که دامنه‌های جنگ به تمام کشور کشانیده شود.

۲- با آمدن ده‌ها هزار سرباز آمریکایی باز هم دامنه کشتار وسعت خواهد یافت مگر اینکه اینک فشار دولت بیشتر شود و نگذارد دیگر مردم بی‌گناه افغانستان در آتش جنگ بسوزد و به بی‌بندبارهای غربی این یک نکته گفته شود که قوانین جنگ را مراعات کنند و یک بار دیگر در کنار جنگ آموزش حقوق بشر که آمریکا خود نگران آن است به سربازان آمریکایی داده شود.

۳- حساسیت مردم در قبال غربی‌ها شدید است و تلاشی‌های خود سر می‌تواند پیامد منفی برای این ملت داشته باشد و به همین دلیل اگر تلاشی صورت می‌گیرد توسط ارگان‌های امنیتی صورت گیرد و مقامات دولتی باید از آن اطلاع داشته باشند و نگذارند پای هیچ خارجی به خانه‌ها و منازل مردم برسد و بیشتر از این امنیت خراب گردد.

سیاست گفتگو گرچه به ضرر گروه‌ها است باید ادامه یابد و دولت بعنوان پدر ملت به همه فرزندان کشور حتی مخالفین توجه داشته باشد و راه مفاهمه و گفتگو باز نگهداشته شود تا این کشور دیگر توسط افغان‌ها خراب نگردد.

همانطور که غربی‌ها برای هر تبعه کشور خود ارزش می‌دهند و خون آنها ارزش خاصی در نزد کشورشان دارد باید خون افغان‌ها ارزش بیشتری داشته باشد و

جالب است که مطبوعات افغانستان در قبال سبایل مثبت و منفی تعهدات خاصی دارند و صل بی طرفی باید در آن در نظر گرفته شود ما این اصل که اصل عمده و اساسی و راه رشد و ترقی را در مسیر دموکراسی و امنیت ملی می‌پیماید به صورت درست در نظر گرفته نمی‌شود.

چون مطبوعات کشور ما اکثراً انتقادی است نقد و بررسی را با ابعاد آن به نقد نمی‌نشینند به همین دلیل رسانه‌های شخصی بخصوص گروه‌های سیاسی که اهداسف انتخاباتی دارند دست به نقد یک طرفه زده و انتقادات زیادی را به دولت وارد کرده و می‌کنند تا اثرات مثبت و حرکت‌های مردمی دولت نیز تحت شعاع تبلیغات منفی قرار گیرد؟! بله! سیاست دولت در قبال مردم افغانستان بخصوص کشتار افراد ملکی در جنگ یک حرکت شجاعانه و مردمی است و به همین دلیل نیز مردم به نماینده ملت رای داده‌اند تا از منافع آنها دفاع گردد.

سخنان شجاعانه رییس دولت در قبال کشتار غیر نظامیان و تلاشی‌خانه‌ها که اخیراً تنش‌های زیادی را ببار آورد و تعدادی از غرب‌گرا‌ها و سیاستمدارها آنرا منفی تعبیر کردند نتیجه خوبی داد و خارجی‌ها را مجبور ساخت تا در میز مذاکره با وزارت دفاع بنشینند و بعد سالها خود سری سرنویشت جنگ و تلاشی‌خانه‌ها و عملیات نظامی را به افغان‌ها سپارند.

مردم سالها تظاهرات و اعتراض‌های خویش را به گوش جامعه جهانی رسانیدند و سازمان ملل و نهاد‌های حقوقی نیز نگرانی خویش را از تلفات غیرنظامیان ابراز داشتند اما گوش‌های خارجی‌ها بخصوص آمریکایی‌ها کر بود و هیچ گاه صدای ملت را نمی‌شنید تا اینکه رییس دولت اعتراض شدید خود را در محافل داخلی و مجامع بین‌المللی به گوش آنها رسانید و برخلاف آنکه مردم تصور می‌کردند که کرزی توجه به مردم خود ندارد این یک نکته به اثبات رسید که رییس دولت قاطعانه و شجاعانه از مردم دفاع کرد و به نتایج دلخواه مردم نیز تا حدودی رسید و این حرکت باعث شد که دیوانگی و لجام گسیختگی خارجی‌ها بخصوص آمریکایی‌ها گرفته شود.

اکنون زمان آن رسیده است که از حرکت‌های شجاعانه دولت دفاع کنیم و در این راه در کنار دولت باشیم و هر کسی که این حرکت‌ها را سازماندهی می‌کند و منافع افغان‌ها را در نظر می‌گیرد باید مورد حمایت قرار گیرد

گرچه زمان می‌برد تا بازسازی کشور در حد قابل قبول مردم گردد ولی تلاش دولت بخاطر آوردن روشنایی به کابل و ولایات یک حرکت قابل قبول بود و مردم رضایت خوبی دارند و رسانه‌ها نیز باید از این حرکت که سهولت‌های نصیب ما کرده است ابراز امتنان کنند.

گرچه این حرکت دیرتر انجام یافت اما روشن کردن ده‌ها هزار خانه توسط دولت می‌تواند مردم را امیدوار سازد که دولت قبل از اینکه وقتش به سررسد توانست انتقادات مردم را کم سازد و آنچه می‌خواستند تا حدودی انجام یافت.

ما امیدواریم که در قسمت بازسازی سرک‌ها و نظام اقتصادی و ایجاد کارخانه‌های مادر نیز با جامع جهانی صحبت شود و دغدغه اصلی مردم که نبود شغل است برطرف گردد.

افغانستان باید جوابگوی نیازمندی‌های اولیه خود باشد و در آینده یکی از کشور‌های صادرکننده به حساب بیاید و با تقرر وزیر اقتصاد جدید باید حرکت‌های خوب و مثمر در ایجاد کارخانه‌های تولیدی صورت گیرد و نساجی‌ها و سیلوهای کشور فعال گردد تا ده‌ها هزار افغان بتوانند صد‌ها هزار عضو خانواده خویش را سرپرستی کنند.

تا زمانی که حرکت‌های اقتصادی نباشد و کارخانه‌ها فعال نشود کسانی که با تفنگ پیداگری دارند آرام نخواهند نشست و درآمد از طریق تفنگ ادامه خواهد یافت ...

جالب اینجاست که در این اواخر ناامیدی در قسمت دولت زیاد شده بود و مطبوعات نیز دیدگاه منفی در مقابل رییس دولت داشت.

از جمله نشریاتی که هیچگاه با دیدگاه دولت موافق نبود نشریه آیین روز بود که در قسمت کشتار غیرنظامیان و تلاشی‌خانه‌ها و برق و اقتصاد و ... انتقاد می‌کرد. اما با حل شدن تعدادی موضوعات ما می‌خواهیم در قسمت‌های دیگر نیز توجه صورت گیرد و دغدغه ما و مردم تا حدودی حل شود.

از جمله دغدغه‌های مردم تراکم نفوس در کابل است که تعدادی از پژوهشگران دنبال راه حل‌های مناسب اند که این مشکل به ساده‌گی حل خواهد شد...

اگر دولت در قسمت ایجاد کارخانه‌ها در دهات و ولایات توجه جدی کند و در هر ولایت و ولسوالی نسبت به پیداوار آن کارخانه تولیدی شروع به کار کند و مردم هم

خود حتی با بنیادی ترین گروه‌های خود در سوات توافق نامه امضا کرد و نظام شریعت را پذیرفت زیرا اکثریت مردم آن منطقه خواهان بازگشت شریعت بودند و ما نیز می‌توانیم با امضای معاهده صلح با افغان‌ها امنیت کشور را بازگردانیم و راه حل‌های خوبی در لابلای گفتگوهای مخالفین بیابیم

دولت افغانستان باید مخالفت خود را با گرفتاری افغان‌ها توسط خارجی‌ها اعلان دارند و نگذارند یک افغان توسط نیروهای خارجی دستگیر گردند.

همانطور که خارجی‌ها قانونی دارند که هیچ خارجی نمی‌تواند افراد آنها را دستگیر و یا زندانی کنند این کشور نیز مطابق با نظام اسلام نباید بگذارد یک افغان در زندان خارجی بسر برد حتی دستگیری افغان برای یک دقیقه نیز نباید قابل قبول باشد. زندان گوانتانامو حالا بسته شده است اما زندان بگرام (دوام تانامو) دوام و ادامه آن است و اخیراً اوپاما گفته است که حتی زندانیان حق فرجام‌خواهی و یا داشتن وکیل مدافع را نیز ندارند و یک زندانی که در بگرام است و اتهام بالای او بسته شده نمی‌تواند از حق وکالت و یا دفاع از خود بهره‌مند شود.

چنانچه صدها مورد اتفاق افتاده است که افراد بی‌گناه زندانی گردیده و ماه‌ها و سال‌ها طول کشیده تا او را آزاد نموده‌اند و با گفتن اینکه ما نمی‌دانستیم توبی‌گناه هستی و یا عذرخواهی آزادی خود را بدست آورده و در آخر در بین مردم نیز او به عنوان مخالف دولت و یا ... معرفی گردیده است.

باید فشارهای و ابزار سیاسی همه و همه به کار بسته شود تا یک افغان برای حتی یک دقیقه در مشکلات قرار نگیرند و اگر افغانی جرمی را در کشور خود انجام می‌دهد باید محاکم افغانستان به آن رسیده‌گی نماید و در زندان‌ها و مراکز نگهداری شود که در کشور خود ما قرار دارد.



از طریق کشت و کار و هم از طریق کارخانه تولیدی صاحب دوز گردند کسی در کابل زنده‌گی نمی‌کند. و کابل فقط برای کابلیان خواهد ماند و همه در هوای پاک و صاف ولایت و ولسوالی خود مشغول کار خواهند شد.

دولت باید بر تصور تعدادی که گویا دولت لائیک است و به اسلام توجه خاصی ندارد خط بطلان بکشد و در قسمت مفاسد اخلاقی و می‌خوارگی و ... توجه جدی نماییم و دموکراسی طوری نباشد که تعدادی از رسانه‌ها دست به کفر گویی و اشتباهات جبران‌ناپذیر بزنند و توهین به دین را تحمل نماییم

شیوه گفتگو و مفاهمه و صلح بیشتر تقویت گردد تا هر افغان بتواند در بازسازی وطن خویش سهم داشته باشد و حتی به نظرات آنها توجه صورت گیرد و نظرات قابل قبول آنها باید پذیرفته شود.

دولت پاکستان با سیاست همزیستی مسالمت آمیز

گرچه هنوز هم غیر نظامیان و افراد ملکی قربانی می‌دهند و همین چند روز قبل در هرات ۱۳ تن افراد کوچی ملکی بی‌گناه به قتل رسید اما آمریکایی‌ها عذرخواهی کردند.

حالا چند کار دیگر باقیست:

شويد